

کشف حجاب، کڑ راهه پهلوی اول (قسمت دوم)

رضا عیسی نیا

اگر چه پهلوی اول در دوران اولیه حکومتش خود را طرفدار اسلام و مسلمانان می خواند، اما پس از تحکیم و تثبیت کامل قدرت سیاسی به اصلاحاتی دست زد که در راس آن اصلاحات، غیر دینی ساختن جامعه ایران به هر طریق ممکن بود؛ بنابراین در چندین جبهه اصلاحات ضد دینی خود را آغاز کرد که عبارتند از:

۱. انوسازی کامل وزارت عدلیه توسط داور چنان که حقوقدانان تحصیل کرده جدید را جایگزین قضات سنتی کرد ؛

۲. ترجمه های تعدیل یافته ای از حقوق مدنی فرانسه و حقوق جزای ایتالیا را که برخی از آن ها با قوانین شرع متعارض بود، به نظام حقوقی ایران وارد کرد ؛

۳. ثبت و اسناد را از علما گرفت و مهم تر از این، مسوولیت تشخیص شرعی یا عرفی بودن موارد حقوقی را به قضات دولتی واگذار کرد ؛

۴. حضور روحانیون را در مجلس بسیار کاهش داد، به طوری که شمار آنان از بیست و چهار نفر در مجلس پنجم، به شش نفر در مجلس دهم رسید ؛

۵. از صدور روایید به کسانی که خواهان زیارت مکه، مدینه، نجف و کربلا بودند جلوگیری کرد ؛

۶. کشف حجاب را اجباری کرد. (۱)

در یک کلام، رضاشاه بر این پندار و خیال بود که متمدن کردن جامعه دینی یعنی بر چیدن بساط دین و دین خواهی از عرصه اجتماع به هر طریق ممکن، چه با کشف حجاب و چه با موارد دیگر.

داستان کشف حجاب چه بود؟ قبل از پرداختن به چگونگی داستان کڑ راهه پهلوی اول؛ یعنی جریان کشف حجاب، تذکر این نکته لازم است که رضا شاه مساله کشف حجاب را با هم فکری و همکاری مستقیم و غیر مستقیم روشن فکران، البته آن دسته از روشن فکرانی که نقش مشارکت و دخالت در نظام سیاسی و امور مملکتی را در عصر رضاخان پذیرفته بودند (۲)، انجام داد.

روشن فکران بسترها و زمینه هایی که - قبل از به حکومت رسیدن رضا شاه - برای از بین بردن دین و ترویج فرهنگ غرب، تهیه دیده بودند - از جمله این که روشن فکران اولیه ایران که نخستین نمایندگان اندیشه های نوین، بویژه لیبرالیسم، سکولاریسم و تجدد بودند - خواسته های زیر را مطرح می کردند:

۱. تجدید هویت و سنت های ملی ایران ؛

۲. منع دخالت روحانیون در سیاست ؛

۳. وضع نظام قانون اساسی جدید به شیوه اروپا ؛

۴. تأسیس نهادهای سیاسی جدید بر اساس حاکمیت ملی و ایجاد مبانی دولت ملی مدرن. (۳)

بنابر این می توان گفت که ماهیت این نوع خواسته ها و اصلاحات، یک نوع دین زدایی بود که به اجماع و اتفاق نخبگان ابزاری و عده ای از نخبگان فکری در زمان رضا شاه به اوج خود رسید.

داستان کشف حجاب

در زمان رضا شاه برخی از روشن فکران، پشتوانه فکری لازم، جهت تحولات و اصلاحات پهلوی اول را فراهم می کردند؛ لذا در چند سال اول سلطنت رضا شاه، تبلیغات بر ضد حجاب را به حد اعلای رساندند، مثلاً در روزنامه ((ایران جوان)) که ارگان رسمی جمعیتی بدین نام بود و اعضای آن را عده ای از جوانان فرنگ دیده و از اروپا برگشته تشکیل می دادند - که بعدها کارهای حساس مملکت را در دست گرفتند - مبارزه پیگیر و شدیدی بر ضد حجاب تحت عنوان ((نامه های بانوان)) آغاز کردند، تا این که در بهار ۱۳۱۳ رضا شاه به ترکیه سفر کرد و با مشاهده آزادی‌پهایی که به بانوان ترک داده شده بود، وجوب اقدامی مشابه را در ایران حس نمود. هواداران آزادی زنان از کوشش باز نایستادند و در این زمینه تصنیف ها و ترانه ها ساختند و صفحات گرامافون از آن ها پر شد و در رهگذرها و قهوه خانه ها به گوش مردم رسید.

بعد از این همه کوشش و تلاش در راه آزادی زنان و متمدن کردن جامعه زنان ایرانی، نهایتاً در سال ۱۳۱۴ زنان آموزگار و دختران دانش‌آموز از چادر به سرکردن ممنوع شدند و افسران از راه رفتن با زنانی که چادر به سر داشتند خودداری می کردند.

در مهر ۱۳۱۴، در تهران کانون بانوان تأسیس شد و زن ها با گشاده رویی با مردان معاشرت و مجالست می کردند و سرانجام در ۱۷ دی ماه ۱۳۱۴ رضا شاه فرمان کشف حجاب را صادر کرد(۴) تا با این کار ایران و ایرانی به دروازه های تمدن راه یابند، اما ملت ایران در مقابل این فرهنگ ناصواب وارداتی سر تسلیم فرود نیاورد و با آن درگیر شد، تا این که حاصل کوشش و تلاش خود را در راه احیای دین اسلام در انقلاب سال ۵۷ جلوه گردیدند.

به امید روزی که همه افراد بشر، به حقوق راستین خود برسند و انسان ها، اعم از مرد و زن، ابزاری در دست حکومت گران قرار نگیرند و به امید روزی که در جهان بشریت چهار شعار امام علی(علیه السلام) تحقق عینی یابد که فرمود:

ما آمدم به خاطر:

۱. ابرافراشتن پرچم اسلام ((لنردالمعالم من دینک))

۲. این که اصلاح در بلاد مسلمین انجام دهیم ((و نظهر الاصلاح فی بلادک))

۳. بندگان مظلوم خدا در امان و امنیت باشند ((فیامن المظلومون من عبادک))

۴. نهایتاً این که ما می خواهیم حدود تعطیل شده الهی را زنده و برافراشته کنیم. ((و تقام المعطله من حدودک.))

به امید آن روز که جهان به این مسأله معرفت پیدا بکند که فقط در بند الله باشد و از هر چه غیر اوست رهایی یابد و به انسانیت و کرامات انسان واقعی که اسلام بر مبنای کتاب و سنت، پایه گذاری کرده است، برسد.

پی نوشت ها:

۱. برای آشنایی با عرفی کردن جامعه دینی در ایران عصر پهلوی اول رجوع شود به کتاب های: ۱. آبراهامیان، پرواند، ((ایران بین دو انقلاب))، ترجمه احمد گل محمدی، محمد ابراهیم فتاحی، چاپ دوم، نشرنی، ۱۳۷۷. ۲. پیردیکار، ژان، هورکاد، برنار ((ایران در قرن بیستم))، ترجمه عبدالرضا(هوشنگ) مهدوی، چاپ دوم، تهران، نشرالبرز، سال ۱۳۵۷.

۲. برخی از صاحب نظران برای روشن فکران سه نقش قایل هستند که عبارتند: از ۱. انتقاد از نظام سیاسی؛ ۲. مشارکت و دخالت در آن؛ ۳. انزوا، کنار گیری از زندگی سیاسی؛ رجوع شود به حسین بشیریه ((جامعه شناسی سیاسی))، نشرنی، چاپ سوم ۱۳۷۶، ص ۲۵۶ و برخی هم دو نقش برای روشن فکران قائلند: انتقاد از نظام سیاسی، یا انزوا از زندگی سیاسی. در این زمینه رجوع شود به: آرای داریوش شایگان در کتاب زیرآسمان های جهان، ترجمه نازی عظیمیا، ۱۳۷۴، ص ۲۲۸.

۳. بشیریه، حسین، جامعه شناسی سیاسی، پیشین، ص ۲۵۷.

۴. برای آشنایی با کم و کیف داستان کشف حجاب رجوع کنید به کتاب: ((از نیما تا روزگار ما))، یحیی آرین پور، جلد اول، چاپ اول، زوار ۱۳۷۴، ص ۳ تا ۲۳.